

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/02/11



حکم مار و تمساح در بین حیواناتی که دم سائله ندارند رسیدیم به تحقیق و بررسی درباره تمساح و حیه اصل بحث را عنایت فرمودید که حیواناتی که دم سائله ندارند طاهرند و اختلافی در این رابطه و جود ندارد نسا و اجماعا و فتوا مورد اول شبهه حکمیه بود مربوط می شود به وزغ مورد دوم شبهه موضوعیه است همین بحث درباره تمساح و حیه این بحث از بحثهایی است متعلق به موضوع حکم یعنی خود تمساح و حیه که این دو حیوان از مجموع حیوانات بدون دم سائل هستند و یا از حیواناتی هستند که دم سائله دارند درباره حکمش بحثی نداریم

نقل اقوال در مورد دم سائله در این دو حیوان

مرحوم سید الحکیم و همین طور سید الاستاد و خود سید یزدی فرموده اند که این دو تا حیوان را بعضی از افاضل و اعظم گفته اند که دم سائله دارند از جمله مرحوم محقق حلی در معتبر و همین طور شهید گفته اند که تمساح و حیه دم سائل دارند اگر چنانچه دم سائل داشته باشند از قلمرو عام ما بیرون است که کما لیس له دم سائل فهو طاهر دم سائل دارد نظر مرحوم آقای خویی در این باره

سید الاستاد (ره) در کتاب تنقیح جلد 2 صفحه 446 می فرماید که این مورد از شبهه بر اساس ادله محکوم به طهارت است اولاً. مراجعه می کنیم به دلیل لفظی عام که عبارت است از موثقه عمار ساباطی باب 35 از ابواب نجاسات حدیث 1 کما ما لیس له دم فلا باس این عام ماست به این عام مراجعه می کنیم مقتضای این عام چیست قانونی داریم در عام و ان اینکه نقش و کار عام تعمیم حکم است نه تعمیم موضوع اگر موضوع محرز و محقق بود دلیل عام حکم را تعمیم و گسترش می دهد

تمسک به عام در شبهه مصداقیه

اما کار عام تعمیم و تعیین موضوع نیست اینجا بحث موضوعی است تمساح را بگوییم از

حيواناتي كه دم سائل دارد يا دم سائل ندارد اگر شك كرديم از عام نمي توانيم استفاده كنيم چون مي شود شبهه مصداقيه در هر كجا كه شك درباره موضوع حكم از حيث مصداقيت براي عام بود همان شك در موضوع مي شود شبهه مصداقيه از عام نمي توانيم استفاده كنيم

اصل عدم ازلي

و اما ايشان مي فرمايد بنابه مبناي ما كه قائليم به جريان اصل عدم ازلي اينجا اصل عدم ازلي جاري مي شود و براي حيوان مشكوك طهارت ثابت مي كند به چه صورت به اين شرح مستصحب در اين مورد عبارت است از دم سائل يا سيلان دم اين سيلان دم را استصحاب مي كنيم و به عنوان استصحاب عدم ازلي مي گوييم موقعي كه تمساح نبود دم سائل هم نبود بعد از ان كه تمساح به وجود آمد همان ان وجودش شك مي كنيم كه دم سائل هم آمد يا نيامد عدم دم سائل قبلي استصحاب مي شود تمساحي كه وجود پيدا کرده است هم دم سائل ندارد

توضيح اصل عدم ازلي و عدم نعتي و نظر استاد

قبلا گفته بوديم استصحاب عدم ازلي عبارت است از ان عدم قبل از وجود شي و استصحاب عدم نعتي كه وصف شي است عدم وصف از اوصاف شي بعد از وجود شي بر مبناي سيد الاستاد استصحاب عدم ازلي جاري است ارکان استصحاب كامل است عموم دليل شامل است جاري مي شود

تحقيق مطلب

اما عده اي از اصولين از جمله اضعف العباد گفته بوديم كه استصحاب عدم ازلي دو تا اشكال دارد راي ميرزاي نائيني كه همين بود خلافا لراي صاحب كفاه كه صاحب كفاه و سيد الاستاد قائل به جريان استصحاب عدم ازلي هستند گفتيم دو تا اشكال دارد كه اولين اشكال را كه ميرزا مي گويد اصل عدم ازلي مثبت است ان عدم قبل از وجود در ان وجود تمساح اين عدم وصفي را برايش ثابت مي كنيم اين عدم قبلا نبود مثبت مي شود اشكال دوم انصراف دليل استصحاب به عدم نعتي است و عدم ازلي و ازل را استصحاب شامل نمي شود از قلمرو و فهم عرف بيرون است بر اساس اين دو تا اشكال خوب ما موافقا لميرزاي نائيني صاحب مكتب اصولي مي گوييم استصحاب عدم ازلي جاري نيست بنابر اين استصحاب عدم ازلي كه جاري نشد اگر استصحاب عدم ازلي كه مبناي ما هست نپذيرفتيد قاعده دارد قاعده طهارت موضوعش هم شك در طهارت است بر اساس قاعده طهارت حكم به طهارت صادر مي كنيم متن همين است و شرح هم همين متن و شرح راديديم كه درباره وزغ و تمساح و حيه به مشكلي بر نخورديم اين بر مسلك سيد شرحا لسيد الاستاد (ره) و متنا لسيد يزدي (ره) اما در مسلك تحقيق اين است كه درباره وزغ و درباره تمساح حقيقت اين است كه بايد احتياط واجب نسبت به نجاست و اجتناب از ابي كه اين گونه از حيوان در ان افتاده باشد اعلام كنيم براي اينكه در وزغ به ذهن مان هست كه روايات متعارض صحاح بود و معمول بها چطور مي توانيم روايت صحيح السند و مطابق با فتواي اعظم كنار بگذاريم بنابر اين روايت صحيحه معاويه بن عمار دلالت داشت و دستور مي داد به نزع ثلاث دلاء باب 19 از ابواب ماء مطلق حديث 2 دلالت بر نجاست مي كند كه مستند شيخ (ره) و صدوق (ره) بود و روايت علي بن جعفر (عليه السلام) باب 9 از ابواب اسئار حديث 1 كه دلالت داشت بر اينكه وزغه لا باس

به حالا. این دو تا روایت را دقت کنید مفاد روایت دال بر نجاست وجوب اجتناب است در عمل خوب دقت کنید کلمه عمل را هم کلیدی در نظر بگیرید و مفاد روایت دال بر جواز در عمل حکم به جواز استفاده از ابی که وزغ در آن افتاده باشد یک قاعده بگویم قاعده در باب تعارض این است که اگر تعارض بین روایتین صحیحین کار بسیار دشوار است اصل بر عدم جواز طرح است بر اساس قانون عبودیت و مولویت و برای اجتناب از طرح باید چاره جویی کرد در قدم اول باید برویم سراغ جمع عرفی که به آن گفته می شود جمع دلایلی اگر جمع عرفی بود یعنی محمل پیدا کردیم بر هر کدام با حفظ مضمون و عدم طرح آن کار را بکنید اجتناب از طرح روایت تا اینجا شنیده اید

فرق جمع عرفی و تبرعی و عملی در موقع تعارض دو روایت
اما در ادامه باید بگویم جمع بین روایات در جهت رفع تعارض و اجتناب از طرح دو تاست
1. جمع عرفی دلایلی 2. جمع عملی و مدلولی این نکته تازه است زیر زبانها هست ولی برجسته نشده

سوال با جمع تبرعی فرق دارد جواب جمع تبرعی دلیل و اعتبار ندارد جمع تبرعی معنایش این است که یک جمع ذوقی بکنیم بدون شاهد و اعتبار قانونی ندارد دوم جمع عملی و مدلولی بدین معنا که اگر بتوانیم بین دو تا مدلول روایتان متعارضتان در عمل جمع بکنیم این قطعا جمع درستی است هیچ یکی از دو روایت طرح نشده به مدلول هر یکی عمل شده است و راه حلی است بلا- اشکال اما این جمع عملی و مدلولی کی میسر است وقتی که احتیاط ممکن باشد بین حکمین متضادین نباشد احتیاط که ممکن بود جمع بین مدلولین صورت گرفته و الان در این دو روایت که گفتیم که مدلول روایت دال بر نجاست در عمل وجوب اجتناب است پس روایت دال بر وجوب اجتناب را طرح نکردیم و به مقتضای آن عمل کردیم و مدلول روایت دال بر جواز معنایش جواز استفاده از آن اب است معنای جواز جواز می توانید استفاده کنید اگر استفاده کردید مطابق مدلول است اگر استفاده هم نکردید مطابق با مدلول آن جواز است بنابراین اجتناب از اب که وزغ از آن افتاده یا اجتناب از خود وزغ که محل بحث بود را احتیاط واجب اعلام می کنیم و در عمل جمع بین مدلولین صورت می گیرد هیچ یکی از روایات معتبر را کنار نگذاشته ایم و به مدلول هر دو عمل کرده ایم اشکال گاهی پیش می آید که احتیاط سنگین باشد اینجا احتیاط هیچ عسر و حرجی ندارد اجتناب می کنیم بنابراین درباره وزغ با توجه به جمع بین روایتین آن هم به شکل جمع بین مدلولین جمع عملی حکم به اجتناب در شکل احتیاط وجوبی اعلام و تایید می شود

سوال و جواب مطلب از این قرار بود که جمع بین مدلول بین دو تا روایت اگر بشود در عمل مدلول هر دو روایت حفظ شده و ما وظیفه مان آن است که تا جایی که امکان دارد روایت صحیح را کنار نگذاریم جایی که احتیاط ممکن باشد آنجا هر دو مدلول جمع می شود یک روایت می گوید واجب است اجتناب از وزغ ظهور دارد در اجتناب از وزغ ظهور دارد در نجاست روایت دیگر ظهور دارد به عدم نجاست اما مدلول این دو تا در عمل این است که روایات دال بر نجاست می گوید عملاً باید اجتناب کنید و مدلول روایات دال بر طهارت می گوید در عمل جائز است که استفاده کنید جائز است یعنی می توانید استفاده کنید می توانید استفاده نکنید پس در عمل اگر گفتیم باید اجتناب کنیم مدلول روایت اول عملی شد مدلول روایت دوم هم همینطور چون جواز هم مطابق است با فعل هم مطابق است با ترک در

صورتی که جمع عملی وجود داشته باشد شک در آن نیست که به اقدام می کنیم حذرا عن ترک روايه الصحيح

سوال و جواب آن از حیث نظری است شما نظری و عملی را جدا کنید جواز نظری با اجتناب فرق دارد ولی در عمل اگر یک طرف قضیه را عمل کردیم طرف دیگر را ترک کردید جواز این بود که هر کدام را مخیرید عمل کنید در عمل مخالفت با عمل نشده مسئله تمساح را بگویم که کامل بشود

سوال اب قلیل و کثیر ندارد جواب آن قسمتها را پی گرفتیم محملی پیدا نشد و حتی فرق بین مرده وزنده اش می شد کل اینها را گشتم شاهدهی بر آن جمعها نداریم مگر اینکه خود ما اعلام بکنیم که دلیل ندارد جمع عرفی باید شاهد داشته باشد بنابراین سید (ره) فرمود که در آخر تعارض ما تعارض را اخرش راه حل خوبی پیدا کردیم عنوان بکنم درابه تمساح این مطالب گفته می شود شبهه موضوعی است شبهات موضوعیه فهم و کشفش دو راه دارد یک راه مشاهده است یک راه دقت خبره است که برای اولی خبر کافی است برای دوم اظهار نظر خبره برای فردا